

توسعه و توزیع درآمد در جامعه

(با اهداف برنامه پنج ساله توسعه ۱۳۶۷-۱۳۷۱)

تألیف:

م. یم رمضان



انتشارات رازنهان

۱۳۹۶

سرشناسه	: رمضانی، مریم، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: توسعه و توزیع درآمد در جامعه: (با اهداف برنامه پنج ساله توسعه ۱۳۶۷-۱۳۷۱) / مولف مریم رمضانی.
مشخصات نشر	: تهران: رازنهان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۷ ص.: جدول، نمودار(رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۸-۲۰۷-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۵-۱۱۷.
موضوع	: درآمد -- توزیع
موضوع	: Income distribution
موضوع	: درآمد -- توزیع -- روش‌های آماری
موضوع	: Income distribution -- Statistical methods
رده بندی گره	: HCV۹/د۳۸٫۸ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۳۳۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۲، ۷۱

آدرس: میدان انصار اول، جمال زاده جنوبی، کوچه دانشور، پلاک ۱۲، واحد ۲ شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۰۱۸۲ - ۰۹۱۲۲۳۰۳۶۹ آدرس الکترونیکی: raznahanbook@gmail.com آدرس سایت: www.raznahanbook.com	
--	---

عنوان کتاب.....	توسعه و توزیع درآمد در جامعه
مؤلف.....	مریم رمضانی
صفحه آرا.....	رضا کاوه
طراح جلد.....	رضا کاوه
ناشر.....	رازنهان
شمارگان.....	۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ.....	اول ۱۳۹۶
قیمت.....	۹۸۰۰ تومان
ISBN: 978-600-448-207-3	

فهرست مطالب

پیشگفتار ۷

فصل اول: بررسی دیدگاه‌ها و نظریات کلاسیک مربوط به توزیع درآمد ۲۳

- مقدمه ۲۳
- توزیع درآمد در نظریه‌های اقتصادی ۲۴
- نظریه‌های کلاسیک توزیع درآمد ۲۴
- تأثیرات متغیرهای کلان اقتصادی و رونق رشد اقتصادی بر توزیع درآمد ۲۷
- سیاست‌های اقتصادی بهبود توزیع درآمد ۳۱

فصل دوم: بررسی وضعیت الگوی توزیع درآمد و رشد دهک‌ها ۳۵

- مقدمه ۳۵
- منحنی لورنز ۳۹
- شاخص ضریب جینی ۳۹
- شاخص‌های سهم خانوارهای کم درآمد، با درآمد متوسط و پردرآمد از کل درآمد، سهم دهک‌ها از کل درآمد ۴۰
- نسبت سهم ۱۰ درصد آخر به ۱۰ درصد اول درآمدی ۴۰

فصل سوم: بررسی وضعیت نابرابری درآمد در گروه‌های شغلی ۴۷

- مقدمه ۴۷
- بررسی وضعیت نابرابری درآمد در گروه‌های شغلی، مقایسه با یکدیگر و مقایسه با کل جامعه شهری و مقایسه با وضعیت قبل و بعد ۵۲
- بررسی مقایسه ای منحنی لورنز ۶۰

فصل چهارم: بررسی شاخص نابرابری ضریب جینی در گروه‌های شغلی..... ۶۷

۶۷..... بررسی شاخص نابرابری ضریب جینی در گروه‌های شغلی و کل جامعه شهری

۷۵..... ضریب همبستگی بین شاخص نابرابری کل جامعه شهری و گروه‌های شغلی

۷۶..... ثبات الگوی توزیع درآمد در گروه‌های شغلی مورد بررسی

۷۹..... بررسی شاخص‌های سهم ۴۰ درصد اول، ۴۰ درصد میانی و ۲۰ درصد بالا از درآمد

۸۶..... ضریب همبستگی ضریب جینی و شاخص‌های فوق در تمام گروه‌های شغلی

فصل پنجم: بررسی تاثیر متغیرهای کلان بر روی متغیر ضریب جینی..... ۹۵

۹۵..... ساختار الگوی اقتصادسنجی

۱۰۱..... نتیجه گرفته از کتاب

۱۰۲..... پیشنهادات

پیوست..... ۱۰۵

منابع..... ۱۱۵

۱۱۵..... الف- منابع فارسی

۱۱۷..... ب- منابع انگلیسی

۱۱۷..... ج- سایت‌های اینترنتی

پیشگفتار

توزیع درآمدها شاخص ارتباطی و واسطه‌ای رفاه اجتماعی و پویایی اقتصادی است. بنابراین تمامی عوامل مؤثر در رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی و تأثیرات متقابل آنها در این زمینه قابل بررسی است.^۱

از آنجایی که سهم افراد مختلف در تولید جامعه به عوامل مختلف از جمله ثروت موروثی و تواناییهای ذاتی آنها بستگی دارد لذا جامعه و طبیعت باعث می‌شوند ثروت بطور برابر توزیع نشود. اساساً عدالت یعنی وضعیت برابری حداقل رفاه برای تمامی افراد که بحرف گروه‌های اجتماعی هستند.^۲

توزیع متعادل درآمد یکی از مهمترین عوامل ثبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی شناخته شده است. از آنجا که براساس آمار منتشر شده از سوی مراکز رسمی آماری کشور مانند مرکز آمار ایران و

۱- بررسی تحلیلی تغییرات توزیع درآمد و مصرف در ایران سازمان برنامه و بودجه معاونت امور اقتصادی و فرهنگی . دفتر اقتصاد کلان.

۲- اشتغال توزیع درآمد و استراتژی توسعه (مجموعه مقالات) نویسنده یان تین برگن.

بانک مرکزی، در شرایط کنونی ایران، توزیع درآمد بخصوص بین گروههای درآمد بالا و پایین بسیار نامتعادل است، شناسایی نحوه توزیع درآمدها در کشور اهمیت دارد.

توزیع نابرابر درآمد از لحاظ اقتصادی و اجتماعی از موانع مهم توسعه اقتصادی بشمار می‌رود به این دلیل که درآمد پایین و سطح زندگی نازل محرومین از یک سو در بهداشت، تغذیه و آموزش نامناسب آنان متجلی شده و بهره‌وری اقتصادی آنها را پایین می‌آورد و از سوی دیگر تقاضا را محدود کرده و در نتیجه به طور مستقیم و غیرمستقیم به رشد اقتصادی پایین‌تر منجر می‌شود. در واقع موضوع توزیع درآمد علاوه بر مسئله عدالت اجتماعی و برابری به دلیل تأثیر توزیع درآمد بر کارایی اقتصاد اهمیت قابل توجهی دارد.

طبیعتاً در هر گروه شغلی نیز افراد پردرآمد و کم‌درآمدی وجود دارند که می‌توان نابرابری در بین آنها را انداز گرفت. پرسش این است که کدام گروه شغلی از توزیع نابرابر درآمدها فشار بیشتری را متحمل شده و توزیع درآمد در بین کدام گروه نامتعادل‌تر است؟ و آیا می‌توان یک حکم کلی مثلاً در مورد کارکنان دولت مبنی بر وضعیت نامناسب درآمدی آنها ارائه داد؟ آیا همه کارفرمایان از قدرت اقتصادی بالایی برخوردارند؟ و نه‌آنگاه کارکنان دولت و کارکنان بخش خصوصی به طور کامل مقایسه شده‌اند.

فرضیات این مطالعه عبارتند از:

- الف- در تمامی گروههای شغلی مورد بررسی در ایران برای مقایسه قابل ملاحظه‌ای وجود دارد.
- ب- گروههای مزبور در ایران از نظر توان مالی (درآمد) نامتسا هستند.
- ج- کارکنان دولت درآمد کمتری نسبت به سایر گروههای مورد بررسی دارند.
- د- عملکرد دولت پس از پایان جنگ باعث بهتر شدن وضعیت توزیع درآمدها شده است.
- و- وضعیت توزیع درآمد در بخش کارکنان خصوصی نسبت به قبل از برنامه ۵ ساله اول بهتر شده است.
- ه- رابطه منفی بین وضعیت توزیع درآمد و نرخ تورم وجود داشته است.

هر چه به سمت دهک‌های بالاتر پیش می‌رویم مسلماً درآمد افزایش می‌یابد و اگر به سمت سالهای پایانی دوره پیش برویم، نیز درآمد خانوار افزایش می‌یابد.

با استفاده از ضریب جینی به بررسی وضعیت توزیع درآمد در طی این سالها می‌پردازیم اما چون ضریب جینی به تنهایی قادر به توضیح الگوی توزیع درآمد نیست از شاخص‌های آماری چون سهم ۴۰ درصد پایین درآمد، سهم ۴۰ درصد میانی درآمد و سهم ۲۰ درصد بالای درآمد، نسبت سهم درآمدی ده درصد ثروتمندترین افراد به ده درصد فقیرترین آنها استفاده نموده تا الگوی توزیع درآمد را توضیح دهیم.

سپس جامعه شهری را به ۵ گروه شغلی تقسیم نموده و شروع به بررسی وضعیت توزیع درآمد در هر گروه شغلی به تفکیک، با جامعه شهری نمونه و سعی در توضیح سیاست‌های اعمال شده در طول این دوره نموده و نهایتاً با اهداف برنامه ۵ ساله توسعه می‌نماییم.

مفاهیم و اصطلاحات پرکاربرد کتاب

۱- مفهوم درآمد Income

یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم مورد استفاده در تحقیقات توزیع درآمد که لازم است محقق به آن بپردازد آگاهی نسبت به مفهوم درآمد و تعریف آن می‌باشد. علت اهمیت این تعریف این می‌باشد که ممکن است گاهی اوقات تفاوت میزان نابرابری درآمد در زمان‌های گوناگون در یک جامعه، حتی در یک جامعه در یک زمان خاص و یا بین جوامع مختلف در یک زمان ناشی از تفاوت در الگوی توزیع درآمد آنها نبوده بلکه منشأ این نابرابری درآمد به دلیل تفاوت مفهوم درآمد است که بر مبنای آن مفهوم توزیع درآمد مورد بررسی قرار گرفته است بعنوان مثال بررسی توزیع درآمد بر مبنای درآمد اوا و نهایی و درآمد اولیه به اضافه خالص مالیات‌ها و انتقالات نتایج متفاوتی را بدست می‌دهد.

مفهوم درآمد بر اساس تعریف آن شده از طرف مرکز آمار ایران عبارت است از:

درآمد، کلیه وجوه و ارزش کالاهایی است که در برابر کار انجام شده یا سرمایه به کار افتاده و یا از طریق منابع دیگر - حقوق بازنشستگی، پرداخت‌های اتفاقی و نظایر آن - در زمان آماری مورد نظر به خانوار تعلق گرفته باشد.

لازم به تذکر است که هر قدر نسبت درآمد حاصل از کار به درآمد غیر حاصل از کار بیشتر باشد نسبت مصرف دائمی به درآمد دائمی بیشتر است. بنابراین اگر هدف افزایش مصرف برای تولیدی بیشتر و برای درآمدی مشخص باشد می‌بایستی درآمد از سرمایه‌داران، به عنوان درآمد غیر حاصل از کار (کار) بین حقوق‌بگیران و یا خود فرمایان توزیع شود.

در تعریف دیگری که در منابع بین‌المللی از درآمد شده است، درآمد را به کلیه درآمدهای نقدی و جنسی می‌گویند که در برابر کار انجام شده و یا سرمایه بکار رفته به افراد اختصاص می‌یابد و این درآمد همان درآمد قابل تصرف "disposable income" می‌باشد که در آن اثر خالص مالیات‌ها (تفاوت سوپسیدها از مالیات‌ها) در نظر گرفته شده است. از طرفی درآمد را می‌توان به صورت زیر تعریف نمود.

درآمد مشمول مالیات عبارت است از ارزش پولی مجموع قدرت خریدی که شخص برای مصرف کالاها و خدمات در دوره معینی در اختیار داشته، به اضافه هر نوع تغییری که در دارایی خالص وی ظرف مدت مورد نظر حاصل شده است.

در ارتباط با مفهوم درآمد، تذکر این نکته لازم است که در بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، در بررسی‌های توزیع درآمد به دلایلی متعدد که در ذیل عنوان شده، به جای مفهوم درآمد از مفهوم هزینه‌های مصرفی استفاده می‌شود اول اینکه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه آمارهای مربوط به درآمد جمع‌آوری نمی‌شود و آمارهای موجود در زمینه هزینه‌های مصرفی می‌باشد لذا یک جنبه مسئله، استفاده اجتناب‌ناپذیر از این دو جنبه به جای یکدیگر می‌سد. دوم، دارندگان درآمدهای بالا به دلایل مختلف مانند فرار از مالیات، از ابراز میزان درآمد واقعی خود متنوع می‌نمایند، و علاوه بر نکته فوق در این کشورها شناخت مشاغل آزاد و برآورد درآمد آنها با مشکلات فزاینده‌ای روبرو است و لذا آمارهای مربوط به درآمد دچار پدیده کمتر برآوردی *under estimation* می‌شود و از طرفی چون دوره زمانی پرسش در مورد درآمد از دوره زمانی آن برای هزینه‌های مصرفی طولانی‌تر است. لذا به یادآوردن ارقام مربوط به هزینه نسبت به درآمد آسانتر و دارای دقت بیشتری است و می‌توان به آن اعتماد بیشتری داشت سوم، مسائل مختلفی مثل پدیده‌های خودمصرفی بین خانوادها، شخصی نبودن حدود مالکیت‌ها و... در کشورهای در حال توسعه وجود دارد و این پدیده‌ها (درآمدهای فردی یا خانوادگی) در بخش کشاورزی خصوصاً سنتی که هنوز هم در مقیاس وسیعی موجود می‌باشد، تحت تأثیر قرار داده و عملاً تخمین این درآمدها با اشکال مواجه است چهارم، به علت پرسش از خانوارها، آمارهای هزینه دقیق‌تر از آمارهای درآمدی است. پنجم، یکی دیگر از دلایل و شاید مهم‌ترین آنها، وجود تداوم و ثبات بیشتر در هزینه‌های مصرفی به درآمد است، که در ارتباط با این دلیل مهم لازم است که به بحث نظریه‌های مصرف پرداخت نماییم.

۲- تعریف مصرف *Consumption*

در تعاریف ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران هزینه مصرفی عبارت است از، ارزش پولی کالا یا خدمات آرایه شده توسط خانوار به منظور مصرف اعضاء یا هدیه به دیگران هزینه نامیده می‌شود.

کالا یا خدمات ارایه شده می‌تواند از طریق خرید، تولیدخانگی در برابر خدمات، از محل کسب پایاپای و مجانی و از سازمان‌ها، در اختیار فرد یا خانوار قرار گیرد که به صورت پولی برآورد شده و جزء هزینه منظور نمی‌شود.

زمانی که از هزینه‌های مصرفی استفاده می‌کنیم قاعدتاً میزان نابرابری کمتر نشان داده می‌شود دلیل این امر این است که هر چه به سمت دهک‌های بالاتر و گروه درآمدی بالاتر "حرکت می‌کنیم این گروه‌ها به دلیل میل نهایی به مصرف کمترشان نسبت به گروه‌های درآمدی پایین درصد کمتری درآمد خود را مصرف کرده و قسمت اعظم آن را به شکل پس‌اندازهای مختلف نگهداری می‌کنند. در حالی که گروه‌های درآمدی پایین به دلیل میل نهایی به مصرف بالایشان، درصد بیشتری از درآمدهایشان صرف هزینه‌های مصرفی شده و در مواردی از مواقع هزینه‌هایشان از درآمدهای جاریشان بیشتر شده و لذا مابه‌التفاوت را از پس‌اندازهای گذشته خود، قرض گرفتن، فروش لوازم منزل خود، یا حتی خیرین می‌نمایند اما با وجود این نقطه ضعف به ناچار در بررسی‌های بودجه خانوار از هزینه‌های مصرفی استفاده می‌نماییم. در ارتباط با هزینه‌های مصرفی، با دو نوع هزینه‌های مصرف خالص و ناخالص مواجه هستیم.

هزینه ناخالص عبارت است از:

ارزش تهیه کالاهای موردنظر بدون احتساب ارزش دست دوم و کلاً هزینه ناخالص وجوهی هستند که خانوار معمولاً در ازای تهیه کالا یا خدمات پرداخت می‌نمایند. تهیه شامل خرید، تولید خانگی، در برابر خدمت از محل کسب و مجانی می‌باشد. ارزش اجباری واحد مسکونی شخصی خانوار نیز برآورد و جزء هزینه ناخالص خانوار منظور می‌گردد. اما هزینه ناخالص خانوار با کاستن ارزش فروش دست دوم کالاها از هزینه‌های ناخالص بدست می‌آید. در واقع تفاوت بین هزینه خالص و ناخالص از اینجا ناشی می‌شود که در هزینه‌های ناخالص ثروت نادیده گرفته شده است. جهت روشن شدن تفاوت این دو نوع هزینه مثلاً یک خانوار "یا یک شخص" را در نظر می‌گیریم که در طی یکسال هزینه‌هایی به میزان ۵۰۰۰۰۰۰ ریال داشته است. این خانوار برای پاسخگویی به هزینه‌های خویش فرضاً یک دارایی "فروش" را به مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ ریال فروخته است، در واقع درآمدی غیر از محل درآمدهای کاری برای وی ایجاد شده است لذا هزینه خالص ۱۰۰۰۰۰۰ ریال می‌شود و عموماً در دهک‌های اول و دوم با این ارقام منفی مواجه می‌شویم و به ناچار برای جلوگیری از منفی شدن

ضریب جینی، دو دهک باید در یکدیگر ادغام شوند. از طرف دیگر در کشورهای در حال توسعه بنا به دلایلی که گفته شد در آمارگیری به جای استفاده از درآمد از هزینه‌های مصرفی استفاده می‌شود، منظور از درآمد آن چیزی است که از محل کسب حاصل می‌شود و ثروت را شامل نمی‌شود بنابراین در تحقیق از هزینه‌های مصرفی ناخالص استفاده شده است.

۳- مفهوم توزیع درآمد Income Distribution

منظور از مفهوم توزیع درآمد به زبان ساده این است که چه کسی چه مقدار از کل درآمدهای یک جامعه را بدست می‌آورد؟ نحوه توزیع درآمد که در واقع نشان‌دهنده چگونگی تقسیم درآمد بین عوامل تولید است. با توجه به این سؤال اساس بسیاری از نظریه‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. زمانی که بحث از توزیع درآمد به میان می‌آید این سؤال مطرح می‌شود که هدف از اندازه‌گیری چه چیز می‌باشد در ارائه تعریف از توزیع درآمد، ما دو نوع معیار مختلف اندازه‌گیری توزیع درآمد مواجه می‌شویم:

الف- توزیع تبعی یا توزیع ملی با نحوه توزیع سهم عوامل:

Functional distribution of factoral distribution or Factor share distribution

ب- توزیع مقداری درآمد Size distribution

الف- توزیع تبعی:

توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید است. این معیار تلاشی می‌کند که سهم کل درآمد ملی را که هر یک از عوامل تولید دریافت می‌کنند، توضیح دهد.

این معیار به جای در نظر گرفتن افراد به صورت واحدهای جداگانه به تعیین درصد درآمدی که نیروی کار بطور کل دریافت می‌کند با درصد درآمد کل توزیع شده به صورت بهره و یا سود می‌پردازد.

یعنی در واقع وسیع‌ترین تخصیص احتمالی درآمد ملی یک تقسیم دو قسمتی است، تقسیم بین درآمد ناشی از کار و غیرکار، که در یک طرف آن دستمزد و در طرف دیگر سایر درآمدها، اجاره، بهره و یا سود قرار می‌گیرد.

گرچه ممکن است افراد از تمامی منابع فوق "غیرکاری" درآمد دریافت کنند لیکن این موضوع در حیطه بررسی ما نمی‌گنجد.

بخش عمده‌ای از ادبیات نظری اقتصاد درباره مفهوم توزیع درآمد مبتنی بر بازدهی عوامل تولید می‌باشد. براساس یک اصل و قاعده کلی در نظریه اقتصادی، درآمدی که به وسیله مالک یک عامل تولیدی در بازار رقابتی کسب می‌شود مساوی است با تولید نهایی آن عامل ضربدر قیمت بازاری آن کالا که به وسیله عرضه و تقاضا تعیین می‌کند در واقع درآمد یک عامل تولید به وسیله سهمی که این عامل در تولید دارد توضیح داده می‌شود.

ب. توزیع مقداری درآمد

این معیار صرفاً با این شخص و کل درآمدی را که آنها دریافت می‌دارند سرو کار دارد و طریق کسب درآمد در نظر گرفته نمی‌شود. آنچه که مهم است این می‌باشد که هر فرد چه میزان درآمد کسب نموده است.

صرف نظر از اینکه این درآمد تماماً از محل کار و کسب باشد و یا از طریق منابع دیگر مانند سود، اجاره، هدیه، ارث و غیره به دست آمده باشد به اضافه، موقعیت‌های جغرافیایی (شهر یا روستا) و منابع شغلی درآمد کشاورزی، صنعت، تجارت و خدمات، نیز نادیده گرفته می‌شود مثلاً اگر فرد x و فرد y درآمد سالیانه شخصی مساوی داشته باشند و هر یک طبقه قرار می‌گیرند صرف نظر از اینکه فرد x ممکن است روزانه ۱۵ ساعت در مزرعه‌اش کار کند و فرد y اصلاً کار نکند و صرفاً درآمدش از بهره حاصل از توزیع ارثیه‌اش یا سپرده‌گذاری باشد. بنابراین اکثر آمارگیران و اقتصاددانان علاقمند هستند که افراد را برحسب درآمدهایشان از پایین به بالا طبقه‌بندی کنند و سپس کل جمعیت را به گروه‌ها یا اندازه‌های مشخصی تقسیم کنند.

درآمدی که یک فرد در خلال یک دوره زمانی دریافت می‌کند به عوامل زیر بستگی دارد:

مقدار و میزان منابع اقتصادی که افراد دارا می‌باشند، نیروی انسانی منبع اقتصادی (economic resource) می‌باشد و (به جز در جوامع برده‌داری) این نیروی کار توسط کس دیگری نمی‌تواند به تملک درآید.

حدی که خدمات این منابع اقتصادی (مانند کار، سرمایه و زمین) مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. قیمتی که به هر واحد از منبع اقتصادی بهره‌برداری شده، پرداخت می‌شود.

به این دلیل که درآمد شخصی یک فرد به سه مورد بالا بستگی دارد. بنابراین توزیع مقداری درآمد در قلمرو بررسی‌های اقتصاد خرد می‌باشد و توزیع تبعی درآمد در قلمرو بررسی‌های اقتصاد کلان است. و در این کتاب آنچه مورد تحقیق است توزیع درآمد مقداری است که در سطح خانوار و یا به صورت سرانه مورد بررسی است.

۴- مفهوم واحد دریافت کننده درآمد "Income Recipient Unit"

انتخاب واحد آماری مناسب در بررسی‌های مربوط به الگوی توزیع درآمد، دارای اهمیت بسزایی است. معمولاً از دو نوع واحد دریافت کننده درآمد یعنی خانوار "Household" و سرانه "Individual" استفاده می‌شود. که انتخاب هر کدام یک از آنها منوط به هدف محقق از بررسی الگوی توزیع درآمد است. در بسیاری از مطالعات خانوار به عنوان واحد مناسب در نظر گرفته می‌شود که علت انتخاب این واحد به دلیل زیر است:

۱- برای اندازه‌گیری الگوی مصرف، پس‌انداز و تأثیرات تغییرات قدرت خرید بر آنها، خانوار واحد معقول و مناسبی به نظر می‌رسد.

۲- بخشی از درآمدها عمدتاً از طریق خانوار هزینه می‌شود. در اکثر توسط افراد خرج می‌شوند که در این جا می‌توان به هزینه‌های برق، آب، تعمیرات ساختمان و غیره اشاره داشت.

در بعضی از تحقیقات فرد به عنوان واحد آماری مناسب‌تری می‌باشد. اگر هدف محقق بررسی توزیع درآمد در بخش‌های مختلف اقتصادی، بین مشاغل مختلف و... باشد. فرد شاغل در هر یک از این بخش‌های گفته شده واحد آماری معقول‌تری است. چرا که اولاً خانوارها از لحاظ تعداد اعضاء جنس و سن آنها، میزان تحصیلات، تعداد افراد شاغل و شغل این افراد و... متفاوت با یکدیگر هستند و لذا نیازهای متفاوتی نیز دارند. این مسئله باعث شده که خانوارهایی که ترکیب آنها گوناگون هستند از جهت رسیدن به مطلوبیت یکسان درآمدهای متفاوتی را نیازمند باشند و بدین ترتیب در صورتی که واحد آماری خانوار باشد این تفاوتها نادیده گرفته می‌شود. و همه خانوارها به صورت واحد آماری همگون و همسانی از همه جهات، نیازها، جنس، سن، میزان تحصیلات و... در

نظر گرفته می‌شود. از این گذشته، اگر فرد در درون خانوار خود و از طریق درآمد خانوار مورد بررسی قرار گیرد ممکن است میزان درآمد سایر افراد خانوار - اگر در یک خانوار چندین فرد شاغل وجود داشته باشد - و سهم آن در کل درآمد خانوار به گونه‌ای باشد که توزیع درآمد خانوارها با توزیع درآمد افراد تفاوت اساسی داشته باشد در هر صورت در بسیاری از بررسی‌های توزیع درآمد در دنیا، اغلب خانوار به عنوان واحد آماری مناسب مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از دلایل استفاده بیشتر از خانوار در بررسی‌ها، اجبار منبع اطلاعات آماری است که به صورت خانوار جمع‌آوری شده و در اختیار محقق قرار می‌گیرد.

علت دیگری که به نظر می‌رسد این است که انتخاب خانوار و فرد به عنوان واحد آماری و بررسی الگوی توزیع درآمد در جامعه بر مبنای درآمد خانوار و یا درآمد سرانه خانوار در عمل نتایج نزدیکی را به دست می‌دهد. در اینکه مطالعات انجام شده خلاف این مطلب را ثابت می‌کند. مطالعات پراوین ویزاریا ^۱ Pravin Visaria نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مرتب کردن مجدد بودجه خانوار بر اساس درآمد سرانه خانوار به جای درآمد خانوار به کرات منجر به توزیع درآمدی با ضریب جینی پایین‌تری می‌شود. ایشان ضریب جینی را در ۵ کشور هند، نیپال، سریلانکا، تایوان و مالزی برای یازده تروه درآمد خانوار حساب کرده‌اند.

در هر یک از موارد یازده‌گانه ضریب جینی برای درآمد سرانه خانوار که توسط افراد کسب می‌شود نسبت به درآمد خانوار پایین‌تر بود این یعنی توزیع بهتر درآمد است و نشان می‌دهد که توزیع درآمد کمتر متمرکز است.

گرچه، در مطالعه وی در مورد کشور مالزی، تفاوت بین این دو درآمد خانوار، درآمد سرانه خانوار^۲ زیاد نبود. ضریب جینی برحسب درآمد خانوار ۰/۴۸ و برحسب درآمد سرانه خانوار ۰/۴۶ بود.

نکته مهم این است که سیاست‌گذاری بر مبنای درآمد خانوار در مقایسه با سیاست‌گذاری بر مبنای درآمد سرانه خانوار جهت برنامه‌های فقرزدایی غیرکارتر و کم اثرتر است. مثلاً اگر بر مبنای داده‌های مالزی خانوارهای فقیر بر مبنای توزیع درآمد خانوار، آن گروه‌هایی باشند که ۲۰٪ کم

۱- مجموعه مقالات در مورد بررسی آماری فقر و توزیع درآمد در ایران مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه سازمان برنامه و بودجه.

درآمدترین خانوارها را تشکیل می‌دهند فقط ۶۲ درصد فقرای واقعی بر مبنای توزیع درآمد سرانه خانوار شامل این گروه فقیر می‌شوند. و ۳۸ درصد دیگر فقرا از گروه فقیر بیرون می‌مانند و لذا سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های فقرزدایی این ۳۸ درصد خانوارهای فقیر را در بر نخواهد گرفت. لازم به ذکر است که در اجرای برنامه‌های دولتی برای کمک به فقرا، درآمد خانوار هرگز برای مشخص کردن فقرا برای این برنامه‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. با توجه به مطالب فوق در این کتاب به بررسی توزیع درآمد براساس هزینه انجام شده در بین گروههای شغلی و مشاغل مختلف می‌پردازد و واحد دریافت‌کننده آماری درآمد خانوار به صورت سرانه (فرد) در نظر گرفته شده است با توجه به موجود بودن آمار هزینه، درآمد خانوار در نشریات مرکز آمار ایران به صورت سرانه و دهک‌بندی شده می‌باشد.

۵- وضعیت شغلی گروههای شغلی

تعریف وضعیت‌های شغلی براساس تعریف استفاده شده در مرکز ایران می‌باشد که طبق آن انواع وضع شغلی به قرار زیر طبقه‌بندی می‌شود:

- ۱- کارفرما: کسی است که طی ۷ روز قبل از مراجعه مأمور آمارگیری، برای انجام فعالیت‌های شغلی خود حداقل یک نفر مزد و حقوق‌بگیر در استخدام داشته است.
- ۲- کارکن مستقل: کسی است که طی ۷ روز قبل از مراجعه مأمور آمارگیری، مزد و حقوق‌گیری در استخدام نداشته باشد و خود نیز مزد و حقوق نگیرد.
- ۳- مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی: کسی است که در بخش عمومی و دولت دارد و در مقابل کاری که انجام می‌دهد مزد و حقوق (نقدی و یا غیرنقدی) دریافت می‌کند.
- ۴- مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی: کسی است که با دریافت مزد و حقوق (نقدی و غیرنقدی) برای افراد و یا مؤسسات خصوصی کار می‌کند.
- ۵- غیرشاغلیین (بیکاران): به افرادی گفته می‌شود که مشاغل را در بررسی‌های مرکز آمار به خود اختصاص ندهند که می‌توانند شامل محصلین، زنان خانه‌دار و بیکاران باشد.